

تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

ویدا مجتهدزاده*، مینا ابوحمزه**، محمدمهدی میرزایی***

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۰۹

چکیده

آگاهی از تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر مشکلات کلان اقتصادی از جمله گریز مالیاتی، حایز اهمیت بسیاری است. از طرفی با توجه به اهمیت روزافزون مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی و درآمدی دولت، شناخت راه کارهای کاهش پدیده مخرب گریز مالیاتی که موجب اختلال در وصول کامل مالیات و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود نیز اهمیت بسیاری دارد. افشای با کیفیت اطلاعات می‌تواند به عنوان یک عامل نظارتی، رفتار مدیریت شرکت را کنترل نموده و انگیزه گریز از مالیات را کاهش دهد، لذا انتظار می‌رود افزایش کیفیت افشای شرکتی موجب کاهش گریز مالیاتی شرکتی شود. با توجه به اهمیت موضوع، این تحقیق با استفاده از روش تحلیل داده‌های ترکیبی به بررسی تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی در ایران می‌پردازد. بدین منظور از اطلاعات ۴۰ شرکت پذیرفته شده در دوره زمانی پنج سال، از سال ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۰ استفاده شده است. در این تحقیق، به منظور تفکیک آثار اجزای گوناگون کیفیت افشا بر گریز مالیاتی، از دو معیار به موقع بودن و قابل اتکا بودن افشای شرکتی و برای سنجش گریز مالیاتی نیز از معیاری مبتنی بر تفاوت مالیات ابرازی و قطعی استفاده شده است. نتایج حاکی از وجود اثر مثبت کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکتی است.

واژه‌های کلیدی: مالیات، کیفیت افشای شرکتی، گریز مالیاتی شرکتی، به موقع بودن، قابل اتکا بودن

طبقه بندی موضوعی: M41، H26

* استاد حسابداری دانشگاه الزهرا (س)، (vida.mojtahed@gmail.com)

** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا (س) و کارشناس ارشد مالیاتی اداره کل امور مالیاتی مودیان بزرگ (LTU)،

(نویسنده مسئول)، (abouhamzeh1364@gmail.com)

*** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی، (mirzaeeabbasabad@gmail.com)

۱- مقدمه

نیل به اهداف بلندمدت اقتصادی در گرو عملکرد مناسب بازارهای مالی و عملکرد مناسب بازارهای مالی به ویژه بازار سرمایه، در گرو وجود اطلاعاتی با کیفیت بالا است. افشای باکیفیت اطلاعات مالی برای استفاده کنندگان برون‌سازمانی به صورت قابل اتکا و به موقع نیز بر عهده گزارشگری مالی می‌باشد (مرادزاده فرد و ابوحمزه، ۱۳۹۰). افشای باکیفیت اطلاعات، احتمال کشف موارد گریز مالیاتی شرکت را افزایش داده و از این طریق انگیزه مدیریت را برای اقدام به گریز از مالیات کاهش می‌دهد و در نهایت موجب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود.

در تمام کشورها، دولت‌ها از یک طرف عهده‌دار منابع عمومی ملت‌ها هستند و از طرف دیگر مسئول تامین خواسته‌ها و نیازهای مردم می‌باشند، لذا برای انجام مسئولیت‌ها و تعهدات خود نیازمند منابع مالی مکفی هستند. منابع درآمدی که دولت‌ها در بودجه کشورها پیش‌بینی نموده و به آن‌ها تکیه می‌نمایند شامل درآمدهای مالیاتی و درآمدهای غیرمالیاتی از جمله درآمدهای نفتی می‌باشد (زهی و خانلی، ۱۳۸۹).

درآمد مالیاتی یکی از مهمترین و قابل‌اتکاترین منابع درآمدی دولت‌ها است. افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، شکاف طبقاتی در جامعه و اثرات مخرب برخی از پیامدهای نامناسب اقتصادی از جمله تورم را کاهش می‌دهد. اگر عدالت مالیاتی محقق شود، یعنی تمام اقتصاد مالیات دهد و گریز مالیاتی وجود نداشته باشد، می‌توان اثرات نامطلوب و مضر توزیعی تورم و افزایش نقدینگی را کاهش داد.

مطابق با تعریف صندوق بین‌المللی پول، «مالیات عبارت است از وجوه اجباری، غیرجبرانی و غیرقابل برگشت که دولت برای مقاصد عمومی مطالبه می‌نماید». اهداف دولت‌ها از وضع مالیات عبارتند از: تامین قسمتی از هزینه‌های بخش عمومی مخصوصاً هزینه‌های جاری دولت، تعدیل توزیع درآمد و ثروت در جامعه و بهبود شاخص‌های اقتصادی از جمله نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ سرمایه‌گذاری، مهار برخی پدیده‌های نامطلوب اقتصادی مانند رکود یا تورم، کنترل حجم واردات و صادرات و به‌طور کلی تامین نیازهای جامعه (شهبازیان، ۱۳۷۳).

نتایج حاصل از بررسی ترکیب درآمدهای دولت ایران نشان می‌دهد که میزان درآمدهای مالیاتی در قیاس با سایر منابع درآمدی همچون درآمدهای نفتی و گازی، بسیار ناچیز است (شمیرانی و اسدزاده بالی، ۱۳۸۷). این امر نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت‌های بالای مالیاتی

در کشور، درآمدهای مالیاتی منبع مناسب و قابل اتکایی برای تامین مالی دولت محسوب نمی‌شوند، درحالی‌که در شرایط کنونی که وجود تحریم‌های جهانی موجب کاهش درآمدهای نفتی و فشار بر بودجه کشور شده، افزایش سایر منابع درآمدی از جمله درآمدهای مالیاتی ضرورت یافته است.

یکی از مهمترین راه‌های افزایش درآمدهای مالیاتی، تلاش جهت کاهش پدیده شوم گریز مالیاتی است. مفهوم گریز مالیاتی شامل یک طیف وسیع از اجتناب مالیاتی تا فرار مالیاتی است. هرچند اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی هر دو از مصادیق گریز مالیاتی هستند اما تفاوت اساسی آن‌ها در این است که اجتناب مالیاتی، عدم تمکین قانونی است در حالی که فرار مالیاتی، عدم تمکین غیرقانونی است.

یکی از راه‌های کاهش گریز مالیاتی، افزایش کیفیت افشای شرکتی است. کیفیت افشای شرکتی را می‌توان با ارزیابی میزان آگاهی‌بخشی آن ارزیابی کرد (لوبو و ژو، ۲۰۰۱). این آگاهی‌بخشی تا حد زیادی به جزییات، به موقع بودن و شفافیت افشای شرکتی بستگی دارد. هم‌چنین در دسترس بودن مدیریت جهت پاسخگویی به پرسش‌های تحلیل‌گران می‌تواند به ارتقای کیفیت افشا بیانجامد.

به طور کلی افزایش کیفیت افشای شرکتی، احتمال کشف موارد گریز مالیاتی شرکت توسط ماموران مالیاتی را افزایش داده و لذا انگیزه مدیران را برای گریز از مالیات کاهش می‌دهد. بدین ترتیب مدیران شرکت‌ها ملزم به رعایت قوانین و مقررات مالیاتی شده و گریز مالیاتی کاهش می‌یابد.

از طرفی در سال‌های اخیر، ورشکستگی‌های بزرگ و ناگهانی، کیفیت افشای اطلاعات در گزارش‌های سالانه را مورد تردید قرار دادند. از این رو، آگاهی از اینکه کیفیت افشای اطلاعات چه تأثیری بر اقتصاد از جمله بر کاهش گریز مالیاتی دارد، اهمیت بسیاری دارد. چنانچه تأثیر مثبت کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی مشخص شود، می‌توان با وضع قوانین و الزاماتی در پذیرش شرکت‌ها و نحوه ارایه و افشای اطلاعات، به افزایش درآمدهای مالیاتی کمک نمود. این تحقیق به بررسی تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکتی می‌پردازد.

۲. مبانی نظری

با توجه به اهمیت موضوع کاهش گریز مالیاتی و تأثیر به‌سزای کیفیت افشا بر آن، در این تحقیق تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکتی بررسی می‌شود. در این رابطه، ابتدا به بررسی مفاهیم گریز مالیاتی شرکتی و کیفیت افشای شرکتی به صورت جداگانه پرداخته و سپس مبانی نظری در خصوص تأثیر کیفیت افشا بر گریز مالیاتی بیان می‌شود.

۲-۱. گریز مالیاتی (عدم تمکین) شرکتی

رفتار مودیان مالیاتی در برابر قانون مالیات در یک طیف وسیع از تمکین تا عدم تمکین (گریز مالیاتی) قرار دارد:

الف) در یک سوی طیف رفتاری مودیان، تمکین مالیاتی قرار گرفته است. هرچند تعریف پذیرفته‌شده‌ای در مورد مفهوم تمکین مالیاتی در ادبیات حسابداری وجود ندارد اما از یک منظر کلی تمکین مالیاتی یعنی رعایت قوانین مالیاتی از سوی مودی (شمیرانی و اسدزاده بالی، ۱۳۸۶) که در نهایت موجب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود.

در ایران طبق ماده ۱۰۵ ق.م.م.ا، جمع درآمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد، مشمول مالیات به نرخ ۲۵ درصد خواهند بود.

رعایت قوانین و مقررات مالیاتی توسط شرکت یعنی انطباق هرچه بیشتر مالیات ابرازی (که براساس قوانین و مقررات تعیین شده و توسط شرکت در اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم درج می‌شود) با مالیات قطعی (که از جانب ماموران مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور تشخیص داده شده و قطعی می‌شود) که این در واقع همان تمکین مالیاتی از سوی مودی است.

ب) در سوی دیگر طیف رفتاری مودیان، عدم تمکین (گریز مالیاتی) قرار دارد. در خصوص مفهوم عدم تمکین یا گریز مالیاتی نیز تعریف پذیرفته‌شده‌ای در ادبیات حسابداری وجود ندارد؛ اما این تحقیق به پیروی از تحقیق هائلن و هیتزمن (۲۰۰۹) گریز مالیاتی را در یک طیف وسیع

تعریف می‌نماید. بدین ترتیب گریز مالیاتی یا عدم تمکین به معنی عدم رعایت قوانین و مقررات مالیاتی کشور و در واقع گریز از مالیات توسط مودیان مالیاتی است. در واقع میزان گریز مالیاتی که با «شکاف مالیاتی» اندازه‌گیری می‌شود عبارتست از «تفاوت مالیاتی که توسط نظام مالیاتی وصول شده با مالیاتی که در صورت تمکین کامل مودی قابل وصول می‌باشد».

به‌طور کلی، گریز مالیاتی تلاش برای کاهش در پرداخت مالیات‌ها تعریف می‌شود. این تعریف که برگرفته از تحقیق دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) است، شامل تمام رفتارهایی است که بر میزان مالیات تأثیر می‌گذارند و بین فعالیت‌های قانونی و فعالیت‌های غیرقانونی با هدف کاهش مالیات، تفاوتی قابل نمی‌شود. آن‌ها مفهوم گریز مالیاتی را یک طیف وسیع از رفتارهای مالیاتی تعریف می‌کنند که یک سوی آن اعمال قانونی برای کاهش مالیات (اجتناب مالیاتی) و سوی دیگر آن اعمال غیرقانونی با هدف کاهش مالیات (فرار مالیاتی) قرار دارد.

طی دو دهه گذشته، مطالعات متعددی دلایل قابل تاملی برای پاسخ به این پرسش پیدا نمودند چرا برخی از شرکت‌ها بیشتر از سایر شرکت‌ها از مالیات می‌گریزند. مطالعات اولیه برای یافتن پاسخ این پرسش بر ویژگی‌های شرکت به عنوان شاخص‌های معرف فرصت، انگیزه و منابع طراحی برنامه مالیاتی تمرکز نمودند (زیمرمن ۱۹۸۳، گوپتا و نیوبری ۱۹۹۷ و رگو ۲۰۰۳) و مطالعات اخیر برای پاسخ به این پرسش به بررسی و آزمون تأثیر وجود تضاد منافع ناشی از وجود رابطه نمایندگی بر رفتار گریز مالیاتی شرکتی پرداختند.

۲-۲. کیفیت افشای شرکتی

افشا یکی از اصول اساسی حسابداری است که بر کلیه جوانب گزارشگری مالی تأثیر دارد. اصل افشا ایجاب می‌کند که کلیه واقعیت‌های بااهمیت مربوط به رویدادها و فعالیت‌های مالی واحد تجاری به شکل مناسب و کامل گزارش شود. براساس این اصل، صورت‌های مالی اساسی باید حاوی تمامی اطلاعات بااهمیت، مربوط و به‌موقع بوده و این اطلاعات به گونه‌ای قابل فهم و حتی‌الامکان کامل ارائه شود تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم سازد (نشریه ۷۶ سازمان حسابداری ۱۳۷۲).

افشا عبارت از توزیع عمومی اطلاعات به صورت داوطلبانه یا در رعایت قوانین و مقررات وضع شده، است؛ هرچند که این اطلاعات عرفاً می‌تواند محرمانه نگهداری شود (مدیروس و

کوینتریو، ۲۰۰۵). البته منظور حسابداران از افشای اطلاعات، محدود به انتشار اطلاعات مالی واحد تجاری در قالب گزارش‌های مالی است (هندریکسن و ون‌بردا، ۱۹۹۲).

مطابق متون حسابداری می‌توان افشا را وابسته به اهداف کیفی اطلاعات حسابداری از قبیل جامعیت، مربوط بودن، اهمیت، قابلیت اتکا و قابلیت مقایسه دانست. خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات، "مربوط بودن" و "قابل اتکا بودن" است. اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شود که بر تصمیم‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال و آینده یا تایید یا تصحیح ارزیابی‌های گذشته آن‌ها موثر واقع شود. از طرفی اطلاعاتی قابل اتکا است که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به‌طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به‌گونه‌ای معقول انتظار می‌رود بیان کند. البته گاهی لازم است مدیریت نوعی موازنه بین مزیت‌های نسبی "گزارشگری به موقع" و "ارایه اطلاعات قابل اتکا" برقرار نماید.

اصطلاحات "شفافیت"، "سیستم افشا" و "کیفیت" اطلاعات حسابداری به‌طور مشترک و قابل جایگزین استفاده می‌شوند اما ارایه یک تعریف دقیق و روشن از شفافیت یا کیفیت که مورد قبول همگان قرار گیرد، کمی دشوار است (کوتاری، ۲۰۰۰).

شفافیت شرکتی مفهوم مهمی است که نقش مهم و کلیدی در تخصیص بهینه منابع در اقتصاد ایفا می‌نماید (وانگ، ۲۰۱۰). بال، کوتاری و رابین (۲۰۰۰) و بال، رابین و وو (۱۹۹۹) شفافیت را به عنوان ترکیبی از ویژگی‌های به‌موقع بودن و محافظه‌کاری تفسیر می‌نمایند. به‌موقع بودن اشاره دارد به این که وقایع اقتصادی دوره جاری به چه میزان در صورت‌های مالی آن دوره، جای داده شده‌اند و منظور از محافظه‌کاری، سرعت بیشتر در انعکاس اخبار بد اقتصادی نسبت به اخبار خوب در گزارشگری مالی است. بارث و شیپر (۲۰۰۸) نیز شفافیت را حدودی تعریف می‌نمایند که گزارش‌های مالی، امور اقتصادی اساسی شرکت (منابع شرکت، ادعا نسبت به آن منابع و تغییرات در منابع) را به‌گونه‌ای که برای استفاده‌کنندگان به سهولت قابل فهم باشد، ارایه می‌نمایند.

سینقاوی و دزایی (۱۹۷۱) کیفیت افشا را به ویژگی‌های کیفی اطلاعات از جمله کامل بودن، دقت و قابلیت اتکا نسبت می‌دهند. طبق نظر دیاموند و وریشیا (۱۹۹۱)، کیفیت افشا عبارت از میزان درستی باور سرمایه‌گذاران بیرونی درباره ارزش اوراق بهادار پس از دریافت اطلاعات

افشا شده، است. هایپکینز (۱۹۹۶) کیفیت افشا را سهولت مطالعه و تفسیر صورت‌های مالی توسط سرمایه‌گذاران تعریف نموده است. مطابق نظر براون و هیلیجست (۲۰۰۶)، کیفیت افشا آگاهی بخشی کلی افشایات شرکت را نشان می‌دهد و به حجم اطلاعات افشا شده، به موقع بودن اطلاعات و دقت آن بستگی دارد. همچنین صورت‌های مالی با کیفیت از نظر پانال و شیپر (۱۹۹۹)، صورت‌های مالی هستند که دارای سه ویژگی شفافیت، افشای کامل و قابلیت مقایسه باشند. برخی نیز کیفیت افشا را منوط به انتشار مستمر اطلاعات به موقع و آگاهی‌بخش می‌دانند. از نظر آن‌ها در شرکت‌هایی که کیفیت افشا بالا است احتمال خودداری از افشای اطلاعات نامساعد ولی با ارزش، بسیار کم است (سنگویتا، ۱۹۹۸).

به واسطه مشکل بودن ارزیابی مستقیم کیفیت افشا، برخی محققان فرض کرده‌اند که حجم و مقدار افشا می‌تواند نشان‌دهنده کیفیت افشا باشد. این نگرش توسط بوتوسان (۱۹۹۷) مطرح شده است، زیرا وی مشاهده کرد که علیرغم مهم بودن کیفیت افشا، ارزیابی آن بسیار مشکل است. به هر حال باید تاکید شود که مجموعه مشخصی از ویژگی‌های کیفی افشا و وزن معینی برای هر یک از آن‌ها وجود ندارد که بتوان آن را به سادگی اندازه‌گیری نمود؛ زیرا کیفیت امری ذهنی است و بستگی به موقعیت دارد (بیاتی، ۲۰۰۴).

۲-۳. کیفیت افشای شرکتی و گریز مالیاتی شرکتی

مالیات بیانگر تحمیل یک هزینه قابل توجه به واحد تجاری و سهامداران است. از منظر سنتی، فعالیت‌های گریز مالیاتی به عنوان ابزار صرفه مالیاتی در نظر گرفته می‌شوند. از این منظر، انگیزه مدیران برای گریز از مالیات و کاهش انتقال منافع به دولت، حداکثرسازی ثروت سهامداران و افزایش ارزش شرکت است (وانگ، ۲۰۱۰).

هرچند فعالیت‌های گریز مالیاتی عموماً باید منجر به افزایش ثروت سهامداران شوند، اما تحقیقات موجود در ادبیات موضوع که گریز مالیاتی را در چارچوب نظریه نمایندگی بررسی می‌نمایند، منظر دیگری را مطرح نموده و نشان می‌دهند که انگیزه مدیران برای گریز از مالیات همیشه و لزوماً حداکثرسازی ثروت سهامداران نبوده و مدیران فرصت‌طلب طرفدای گریز مالیاتی را جهت افزایش منافع شخصی خود و نه برای افزایش منافع سهامداران به کار می‌برند (دزایی و دارماپالا، ۲۰۰۹).

از این منظر که مبتنی بر نظریه نمایندگی و جایگزین منظر سنتی است، هزینه‌های تحمیلی ناشی از گریز مالیاتی اعم از هزینه‌های مستقیم مرتبط با آن (شامل هزینه‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، جرایم مالیاتی تشخیصی توسط اداره مالیات و...)، هزینه‌های غیرمالیاتی و به‌خصوص هزینه‌های نمایندگی ناشی از آن، ممکن است بیشتر از صرفه مالیاتی باشد که در نتیجه گریز مالیاتی به سهامداران تعلق می‌گیرد. بنابراین در نهایت گریز مالیاتی می‌تواند موجب کاهش ارزش شرکت شود.

طبق نظریه نمایندگی، در نتیجه تفکیک مالکیت از مدیریت و شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع و مشکلات نمایندگی بین مدیران، سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) به وجود می‌آید. یکی از مشکلات نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی است که در محیط اطلاعاتی غیرشفاف افزایش می‌یابد. این مشکل، در نبود اطلاعات کامل و شفاف ظاهر شده و وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن، دو طرف معامله از همه حالت‌های ممکن بی‌اطلاع‌اند و نمی‌توانند همه نتایج قطعی و مطمئن را مورد توجه قرار دهند (اسکات، ۲۰۰۳).

بنابراین یکی از راه‌کارهای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش شفافیت و کیفیت افشای اطلاعات است. افشای اطلاعات با کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی می‌تواند دقت اطلاعات در دسترس عموم را درخصوص فعالیت‌ها و تصمیمات مدیریت (هیلی و پالو ۲۰۰۱، بنز و موناهن ۲۰۰۴، فرانسیس و مارتین ۲۰۱۰) و احتمال کشف موارد گریز از مالیات را توسط ماموران مالیاتی افزایش دهد. این امر صرف ریسک ناشی از فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیریت را کاهش داده (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) و موجب کاهش انگیزه وی برای گریز از مالیات می‌شود.

در واقع شفافیت و کیفیت افشا، به عنوان سازوکارهای نظارتی جهت محافظت از حقوق سهامداران در مقابل تضاد منافع، عمل نموده و رفتارهای مدیریت را کنترل می‌نمایند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نقش نظارتی کیفیت افشا در نهایت موجب کاهش موارد تخلف از قوانین و مقررات مالیاتی توسط مدیران شرکت‌ها می‌شود. در چنین شرایطی انتظار می‌رود که خروجی فعالیت‌های داخلی شرکت (اظهارنامه مالیاتی، سود ابرازی و در نهایت مالیات ابرازی شرکت) مطابق با قانون مالیات‌های مستقیم بوده و با آنچه توسط ماموران مالیاتی سازمان امور

مالیاتی تعیین می‌شود (مالیات قطعی) کمترین اختلاف را داشته باشد و این به معنای کاهش گریز مالیاتی شرکتی در نتیجه افزایش کیفیت افشای شرکتی می‌باشد.

۳. پیشینه

جهت بررسی پیشینه موضوع می‌توان به دو دسته از تحقیقات اشاره نمود. دسته اول، تحقیقات مرتبط با گریز مالیاتی شرکتی و دسته دوم، تحقیقات مرتبط با کیفیت افشای شرکتی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. همچنین تحقیقات خارجی مربوط به تأثیر کیفیت افشا بر گریز مالیاتی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۱. گریز مالیاتی شرکتی

هوپس و دیگران (۲۰۱۲) به بررسی تأثیر انجام حسابرسی مالیاتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکتی پرداختند. آن‌ها شواهدی ارائه نمودند مبنی بر اینکه افزایش نظارت مالیاتی (حسابرسی مالیاتی) موجب کاهش گریز مالیاتی شرکتی و قانونمند شدن شرکت‌ها می‌شود.

ویلسن (۲۰۰۹) نشان داد که شرکت‌ها همیشه هزینه‌های ناشی از گریز مالیاتی شامل جریمه‌های سنگین و مجازات‌هایی که اداره مالیات به دلیل عدم رعایت قوانین و مقررات و کمتر نشان دادن سود به شرکت‌ها تحمیل می‌نماید را در نظر می‌گیرند. حسابرسی مالیاتی موجب کشف موارد عدم رعایت قوانین و مقررات و تحمیل هزینه به شرکت می‌شود، لذا می‌تواند عاملی برای کاهش گریز مالیاتی شرکت‌ها باشد.

سید نورانی (۱۳۸۸) عدم تمکین را با میزان شکاف مالیاتی برابر می‌داند و شکاف مالیاتی را شامل فرار مالیاتی، مالیات‌های معوق، خطای مودیان در اظهار و پرداخت مالیات و خطای ممیزان در تشخیص و دریافت مالیات می‌داند که به عدم تمکین مالیاتی (گریز مالیاتی) مودیان می‌انجامد.

خان‌جان (۱۳۸۳) سطح شکاف مالیاتی بالفعل را به عنوان شاخصی از عدم تمکین در شهرستان مشهد ارائه می‌کند. وی مالیات‌های معوق را مالیات‌هایی معرفی می‌کند که به مرحله تشخیص مالیات رسیده‌اند اما وصول آن‌ها به تاخیر افتاده است.

۲-۳. کیفیت افشای شرکتی

اسپینوسا و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی رابطه بین افشا و نقدشوندگی پرداختند. آن‌ها بورس مادرید با ویژگی‌های نهادی خاص را مورد بررسی قرار دادند و از روش‌های مناسب تحلیل داده‌های مختلط بهره گرفتند و به شواهدی دال بر وجود رابطه مثبت بین افشا و نقدشوندگی دست یافتند.

چانگ و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که شکاف قیمتی با افشای اطلاعات رابطه منفی دارد. به بیان دیگر با افزایش کیفیت افشای شرکتی، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد.

اسپینوسا و ترومبتا (۲۰۰۷) با بررسی شرکت‌های اسپانیایی به این نتیجه رسیدند که رابطه بین افشا و هزینه سرمایه شرکت، تحت تأثیر سیاست حسابداری اتخاذ شده قرار دارد.

ژانگ و دینگ (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین افشا و هزینه سرمایه شرکت‌ها در چین پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان دهنده وجود رابطه منفی بین افشا و هزینه سرمایه شرکت‌ها می‌باشد.

براون و هیلجیست (۲۰۰۶) به مطالعه چگونگی ارتباط بین کیفیت افشای شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان دهنده وجود رابطه منفی بین کیفیت افشای شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد.

مرادزاده فرد و ابوحمزه (۱۳۹۰) اثر کیفیت افشای شرکتی بر نقدشوندگی سهام را بررسی نمودند. در این تحقیق، به منظور تفکیک آثار اجزای گوناگون کیفیت افشا، از دو معیار به موقع بودن و قابل اتکا بودن، استفاده شد و نقدشوندگی سهام با استفاده از پانزده معیار مختلف معاملاتی و اطلاعاتی اندازه‌گیری شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که قابل اتکا بودن افشای شرکتی اثر مثبت بر نقدشوندگی سهام شرکت‌ها دارد.

نوروش و حسینی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین کیفیت افشای شرکتی (شامل قابلیت اتکا و به‌موقع بودن) و مدیریت سود پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین کیفیت افشای شرکت و مدیریت سود رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد.

دستگیر و بزازاده (۱۳۸۵) به بررسی تأثیر افشا بر ریسک سیستماتیک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها دریافتند که میزان افشای اطلاعات در صورت‌های مالی سالانه، تأثیری بر ریسک سیستماتیک شرکت‌ها ندارد.

دستگیر و بزازاده (۱۳۸۲) به بررسی تأثیر افزایش میزان افشا (اجباری) بر هزینه سهام عادی شرکت‌ها پرداختند. نتایج این تحقیق مبنی بر وجود رابطه معکوس بین میزان افشا و هزینه سهام عادی شرکت‌ها است. تحقیق مذکور به طور غیرمستقیم نیز به ارزیابی کارآمدی صورت‌های مالی پرداخته است.

به طور کلی بخش عمده‌ای از تحقیقات گذشته پیامدهای شفافیت شرکتی در بازار سرمایه را بررسی نمودند. آن‌ها به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه شفافیت یا اجزای آن بر نقدشوندگی و هزینه سرمایه اثر می‌گذارد. اما تأثیر شفافیت شرکتی به پیامدهای معمول اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه شفافیت شرکتی می‌تواند از طریق هدایت هرچه بهتر استفاده‌کنندگان درونی در اتخاذ سرمایه‌گذاری‌های بهتر و مدیریت اثربخش‌تری دارای‌های موجود، بر عملکرد اقتصادی موثر باشد (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱).

مطالعات اخیر بررسی نمودند که شفافیت شرکتی چگونه از طریق نقش کنترلی و نظارتی خود می‌تواند عملکرد شرکت را بهبود بخشد. فرانسیس و مارتین (۲۰۱۰) نقش نظارتی شفافیت شرکتی را که از طریق سود حسابداری محافظه‌کارانه در محیط ایفا می‌نماید، بررسی نمودند. دسته دیگری از تحقیقات نشان دادند که شرکت‌های با گزارشگری مالی شفاف انحراف کمتری از سرمایه‌گذاری‌های پیش‌بینی شده داشته و کمتر در معرض حساسیت جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری می‌باشند (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶ و بیدل و دیگران، ۲۰۰۹).

۳-۳. کیفیت افشای شرکتی و گریز مالیاتی شرکتی

وانگ (۲۰۱۰) معتقد است که شرکت‌های شفاف که به طور بالقوه مشکلات نمایندگی کمتری دارند نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر از مالیات می‌گریزند. این نتایج حاکی از این امر است که مدیران اساساً به منظور افزایش ثروت سهامداران شرکت، درگیر رفتارهای گریزگونه می‌شوند. همچنین نشان داد که سرمایه‌گذاران برای گریز مالیاتی یک صرف ارزشی قائل می‌شوند که البته با عدم شفافیت کاهش می‌یابد. نتایج تحقیق وی مطابق با این نظریه است که شفافیت شرکتی، نظارت بر رفتارهای مدیریت را تسهیل نموده و بنابراین نگرانی سرمایه‌گذاران بیرونی را در خصوص هزینه‌های نمایندگی پنهانی مرتبط با گریز مالیاتی، کاهش می‌دهد.

ادبیات موضوع بیان می‌نماید که تحلیل گران مالی بازار اغلب به عنوان ناظران خارجی بر مدیران شرکت‌ها تلقی می‌شوند (جنسن و مک‌لینگ ۱۹۷۶ و چونگ و جو ۱۹۷۶). برگر و هان (۲۰۰۷) نشان دادند که مدیران فرصت طلب کمتر به افشای اطلاعات می‌پردازند. بنز و موناها (۲۰۰۴) نیز دریافته‌اند که الزام مدیران به افشای اطلاعات، برای سهامداران یک ابزار نظارتی جهت کنترل رفتار مدیران است، لذا تمایل مدیران برای اعمال فرصت طلبانه از جمله گریز از مالیات کاهش می‌یابد.

تحقیق حاضر به بسط موضوع از طریق بررسی تأثیر نظارتی کیفیت افشای شرکتی بر رویکرد مدیریت شرکت در خصوص مالیات و کاهش گریز مالیاتی شرکتی می‌پردازد. در واقع مالیات شرکت موضوعی است که در آن به شدت عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران بیرونی وجود دارد؛ چراکه مدیران فرصت طلب در شرایط غیر شفاف می‌توانند از طریق گریز مالیاتی منافع شخصی کسب نموده و با تحمیل هزینه‌های مالیاتی و غیر مالیاتی به شرکت، ثروت سهامداران را کاهش دهند.

۴. روش شناسی تحقیق

۴-۱. فرضیه تحقیق

جهت نیل به هدف تحقیق، فرضیه تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه: افزایش کیفیت افشای شرکتی موجب کاهش گریز مالیاتی شرکت‌ها می‌شود.

۴-۲. جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. شرکت‌هایی که شرایط زیر را به طور هم‌زمان داشته‌اند، به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند:

- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی مانند شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و... نباشند.
- دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد و سال مالی آن‌ها در طول سال‌های تحقیق تغییر نکرده باشد.
- مالیات آن‌ها قطعی شده باشد.

• اطلاعات مالی و مالیاتی مورد نیاز آن‌ها در دسترس باشد.

با توجه به محدودیت‌های فوق، تعداد ۴۰ شرکت در دوره زمانی پنج سال، از سال ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۰، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند که در نهایت ۸۹ سال-شرکت بدست آمده و به دلیل محدود بودن تعداد اعضای جامعه، صددرصد آن به عنوان نمونه در نظر گرفته شد.

۳-۴. روش‌های گردآوری داده‌ها

جهت جمع‌آوری داده‌های مرتبط با امتیاز افشای شرکت‌ها به تفکیک به موقع بودن و قابل اتکا بودن و همچنین امتیاز نهایی آن‌ها، از امتیازهای محاسبه شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، به عنوان تنها مرجعی که تاکنون در کشور اقدام به این کار نموده است، استفاده شد. به منظور جمع‌آوری سایر داده‌های مورد نیاز از جمله اطلاعات مربوط به تمکین مالیاتی شرکت‌ها نیز از سایت‌های اطلاع‌رسانی سازمان بورس استفاده شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از الگوی تحلیل داده‌های ترکیبی بوسیله نرم افزار Excel و Eviews7 مورد پردازش قرار گرفتند.

۴-۴. روش آزمون فرضیه تحقیق

مدل کلی تحقیق برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، به صورت زیر می‌باشد:

$$TNCig = C + \alpha_0 LEV + \alpha_1 SIZE + \alpha_3 DQ + \varepsilon_{it}$$

که در ادامه به تعریف متغیرهای مدل پرداخته می‌شود.

۵-۴. تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

۱-۵-۴. متغیر وابسته: شاخص گریز مالیاتی شرکتی

برای محاسبه شاخص گریز مالیاتی (عدم تمکین مالیاتی) $TNCig$ ابتدا مالیات ابرازی توسط مودی را از مالیات قطعی تشخیصی توسط ممیز مالیاتی کسر می‌کنیم، عدد بدست آمده نشان دهنده میزان گریز مالیاتی مودی است. سپس برای شرکت‌های نمونه مقدار متوسط گریز مالیاتی را محاسبه و آن را از گریز مالیاتی هر مودی کسر می‌کنیم و در ادامه مقادیر منفی تفاضل از میانگین گریز مالیاتی که نشان‌دهنده تمکین کامل مودی مربوطه است را مساوی صفر قرار داده و مقادیر مثبت را همان مقدار محاسبه شده در نظر می‌گیریم. سپس این مقادیر جدید بدست آمده را به یک نرمال می‌کنیم یا به عبارت دیگر این داده‌ها را بین صفر و یک مرتب می‌کنیم.

داده‌ها را به این دلیل به یک نرمال می‌کنیم که مقیاس داده‌ها کوچک‌تر شود و نیز تصویر روشن‌تری نسبت به گریز مالیاتی مودیان داشته باشیم. بدین ترتیب که مودیان که عدد شاخص گریز (عدم تمکین) برای آن‌ها صفر است، از دسته مودیان هستند که به‌طور کامل تمکین کرده‌اند و آن‌هایی که عدد شاخص گریز (عدم تمکین) آن‌ها بین صفر و یک است، هرچه به صفر نزدیک‌تر باشند سطح تمکین آن‌ها بیشتر و هرچه به یک نزدیک‌تر باشند سطح تمکین آن‌ها کمتر است (زنکنه، ۱۳۸۹).

۲-۵-۴. متغیر مستقل: کیفیت افشای شرکتی (به موقع بودن و قابل اتکا بودن)

در این پژوهش از امتیازهای سالیانه کیفیت افشای شرکتی که برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه شده، به عنوان شاخص اندازه‌گیری کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) استفاده شده است.

امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس برای دوره‌های ۳، ۶، ۹ و ۱۲ ماهه محاسبه و توسط سازمان بورس و اوراق بهادار برای سال‌های ۱۳۸۲ به بعد منتشر شده است. این امتیازها، ارزیابی بورس درباره میزان آگاهی بخشی افشای شرکتی را منعکس می‌نماید. امتیازهای مذکور، بر اساس میانگین وزنی معیارهای به‌موقع بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، محاسبه می‌شود. تاخیر در ارسال اطلاعات به بورس در مقایسه با مهلت‌های زمانی مقرر و تفاوت در سودهای محقق شده نسبت به پیش‌بینی‌ها برای محاسبه به‌موقع بودن و قابل اتکا بودن افشای اطلاعات استفاده شده است (نوروش و حسینی، ۱۳۸۷).

۳-۵-۴. متغیرهای کنترل: اهرم و اندازه

درجه اهرم برابر حاصل تقسیم بدهی‌ها به جمع حقوق صاحبان سهام شرکت است. متغیر اندازه نیز برابر لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت می‌باشد.

۵. یافته‌های تحقیق

۱-۵. آمار توصیفی

نگاره ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نمایش می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی

اندازه	درجه اهرم	امتیاز کیفیت افشا	گریز مالیاتی	
۱۳/۶۰	۱/۷۱	۴۲/۵۵	۰/۰۳۵	میانگین
۱۳/۲۴	۱/۲۹	۴۲	۰	میانه
۱۸/۱۹	۸/۹۱	۸۹	۱	ماکسیمم
۱۰/۹۸	۰/۲۵	۱	۰	مینیمم
۱/۵۴	۱/۵۷	۱۷/۹	۰/۱۲	انحراف معیار
۰/۷۶	۲/۴۱	-۰/۰۸۳	۶/۲۶	ضریب چولگی
۳/۴۶	۹/۶۴	۲/۷۸	۴۷/۶۹	ضریب کشیدگی

۲-۵. نتایج آزمون‌ها

برای تحلیل داده‌های ترکیبی ابتدا باید وجود اثرات ثابت مقطعی را برای امکان‌پذیر بودن استفاده از این مدل آزمون نمود. بدین منظور از آزمون اضافی اثرات ثابت مقطعی استفاده می‌نماییم که نتایج آن در نگاره ۲ نشان داده شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون اضافی اثرات ثابت

خطا	درجه آزادی	آماره	آزمون اثرات
۰/۰۷	۳۹/۴۳	۱/۵۷	مقطعی F
۰/۰۰۰۲	۳۹	۷۸/۷۷	کای مربع مقطعی

نتایج آزمون کای مربع نشان‌دهنده رد فرض H_0 (مبنی بر عدم وجود اثرات ثابت) می‌باشد. با توجه به نتیجه آزمون فوق، حال باید بررسی کنیم که بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی کدامیک مناسب‌تر است. برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌نماییم. نتایج این آزمون در نگاره ۳ نشان داده شده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن

خطا	درجه آزادی	آماره کای مربع	خلاصه آزمون
۰/۰۰۱	۳	۱۶/۳۱	Cross-section random

نتایج آزمون کای مربع نشان‌دهنده رد فرض H_0 (مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی) می‌باشد لذا استفاده از مدل اثرات ثابت برای آزمون فرضیات این پژوهش مناسب می‌باشد.

با توجه به عدم وجود اطلاعات مربوط به برگ مالیات قطعی برای برخی سالها تعداد کل مشاهدات برابر ۸۹ سال-شرکت شد که این امر مستلزم استفاده از الگوی نامتوازن در برآورد مدل است.

برای آزمون فرضیه اصلی از طریق تحلیل Panel نتایج به شرح نگاره ۴ حاصل گردید:

نگاره (۴): نتایج تحلیل مدل Panel

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	خطا
ثابت	-۰/۳۵۶	۰/۸	-۰/۴۴۲	۰/۶۶
امتیاز کیفیت افشا	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۶	۱/۸۱۸۸	۰/۰۷
درجه اهرم	۰/۱۳۷۵	۰/۰۶۲	۲/۲۰۹۸	۰/۰۳
اندازه	۰/۰۰۸	۰/۰۵۸	۰/۱۳۷	۰/۸۹
اثرات ثابت مقطعی				
ضریب تعیین	۰/۷۲	جمع مربعات پسماندها		۰/۳۶
ضریب تعیین اصلاح شده	۰/۴۷	دوربین واتسون		۱/۸۸
آماره F	۲/۸۷	خطای آماره F		۰/۰۰۰۳

باتوجه به نتایج بدست آمده، در سطح معناداری ۱۰ درصد کل مدل (با استفاده از آماره F) معنی دار می باشد. با توجه به احتمال آماره t، فرضیه تحقیق تایید می شود. یعنی افزایش کیفیت افشای شرکتی موجب کاهش گریز مالیاتی شرکتها می شود. از سوی دیگر رابطه مثبت و معنی دار بین درجه اهرم نشان می دهد هرچه درجه اهرم شرکت بالاتر باشد ریسک شرکت بیشتر شده و احتمال گریز مالیاتی آن افزایش می یابد.

۶. نتیجه گیری و پیشنهادها

در این تحقیق به بررسی تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. نتایج آماری بدست آمده بیانگر تأثیر مثبت کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکتها است. بدین ترتیب که شرکت هایی که از امتیاز کیفیت افشای بالاتری برخوردارند نسبت به سایر شرکتها گریز مالیاتی کمتری دارند.

نتیجه بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش کیفیت افشای شرکتی و وجود اطلاعات مربوط و قابل اتکا، تأثیر به‌سزایی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت‌ها دارد. به عبارت دیگر تحقیق حاضر، تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی را تایید می‌نماید که این امر در تایید پژوهش‌های صورت گرفته توسط بنز و موناها (۲۰۰۴) و برگر و هان (۲۰۰۷) می‌باشد. آن‌ها نشان دادند که مدیران فرصت طلب کمتر به افشای اطلاعات می‌پردازند، لذا الزام مدیران به افشای اطلاعات، یک ابزار نظارتی جهت کنترل رفتار آن‌ها برای سهامداران است و در این شرایط تمایل مدیران برای گریز از مالیات کاهش می‌یابد. نتیجه این پژوهش نیز مشابه نتیجه پژوهش وانگ (۲۰۱۰) است مبنی بر این که شفافیت شرکتی، نظارت بر رفتارهای مدیریت را تسهیل می‌نماید.

در واقع کیفیت افشای شرکتی با هدف حمایت از حقوق سهامداران در مقابل تضاد منافع، بر رفتارهای مدیریت، کنترل و نظارت نموده و با ایفای نقش نظارتی موجب کاهش موارد تخلف از قوانین و مقررات مالیاتی توسط مدیران شرکت‌ها می‌شود. در این شرایط و مطابق با انتظارات حاصل از مبانی نظری، خروجی فعالیت‌های داخلی شرکت (اظهارنامه مالیاتی، سود ابرازی و در نهایت مالیات ابرازی شرکت) مطابق با قانون مالیات‌های مستقیم بوده و با آنچه توسط ماموران مالیاتی سازمان امور مالیاتی تعیین می‌شود (مالیات قطعی) کمترین اختلاف را نشان می‌دهد که این به معنای کاهش گریز مالیاتی شرکتی در نتیجه افزایش کیفیت افشای شرکتی می‌باشد.

با توجه به تأثیر به‌سزای افزایش کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت‌ها، وضع الزامات و مقررات بیشتر از جانب سازمان‌های ذیربط در راستای افشای با کیفیت اطلاعات، سهم به‌سزایی در افزایش درآمدهای مالیاتی دولت خواهد داشت. چراکه افزایش کیفیت افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها، کاهش هزینه‌های تشخیص و وصول مالیات، تسریع در قطعیت و وصول مالیات، افزایش احتمال کشف موارد عدم رعایت قوانین و مقررات مالیاتی شرکت‌ها، افزایش انگیزه رعایت قوانین و مقررات مالیاتی توسط شرکت‌ها، رعایت حقوق دولت از جانب مودیان، افزایش رضایت‌مندی مودیان مالیاتی، افزایش فرهنگ مالیاتی و در نتیجه کاهش گریز مالیاتی مودیان می‌شود.

به طور کلی شواهد این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش کیفیت افشای شرکتی موجب کاهش گریز مالیاتی شرکت‌ها و متعاقباً افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود. لذا براساس نتیجه

بدست آمده از این تحقیق پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس و اوراق بهادار تاکید و الزام بیشتری بر کیفیت افشای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اعمال نماید.

جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- بررسی دلایل عدم رعایت الزامات افشای اطلاعات توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و پایین بودن کیفیت افشای اطلاعات.
- انجام پژوهش حاضر به تفکیک صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران به منظور کنترل اثر صنعت.
- بررسی رابطه بین کیفیت افشای شرکتی و تمکین مالیاتی شرکت‌هایی که در اجرای ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، از تخصص حسابداران رسمی جهت تعیین درآمد مشمول مالیات خود استفاده می‌کنند.

پی‌نوشت

۱ قانون مالیات‌های مستقیم

منابع

- رسولی شمیرانی، رضا و میررستم اسداله زاده بالی. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر بر تمکین و خود اظهاری مودیان مالیاتی و ارائه راهکارهایی کارآمد جهت بهبود شرایط موجود. دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور.
- زهی، نقی و شهرزاد محمدخانلی. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، شماره نهم، مسلسل ۵۷.
- سازمان حسابرسی. (۱۳۷۲). صورت‌های مالی اساسی، چاپ چهارم. نشریه شماره ۷۶.
- شهبازیان، حمداله. (۱۳۷۳). تحول مالیات‌های مستقیم در ایران از ۱۳۴۵ تا امروز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- قانون مالیات‌های مستقیم مصوب (۱۳۸۰). مجلس شورای اسلامی.

مرادزاده‌فرد، مهدی و مینا ابوحمز. (۱۳۹۰). اثر کیفیت افشای شرکتی بر نقدشوندگی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال نهم، شماره ۳۲.

هندریکسن، الدوناس. ون‌بردا، مایکل‌اف. (۱۹۹۲). *تئوری‌های حسابداری*، علی پارسائیان، تهران: انتشارات ترمه.

- Ball, R. , S. P. Kothari and A. Robin. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting & Economics* 29: 1-52.
- Ball, R. A. Robin. and J. Wu. (1999). Properties of Accounting Earnings under the Enforcement Institutions of East Asian Countries, and Implications for Accounting of IAS. Working paper, University of Rochester.
- Barth, M. E. and Schipper. K. (2008). Financial Reporting Transparency. *Journal of Accounting, Auditing & Finance, Vol. 23, No. 2*: 173-190.
- Beattie, V. et al. (2004). A Methodology for Analyzing and Evaluating Narratives in Annual Reports: A Comprehensive Descriptive Profile and Metrics for Disclosure Quality Attributes. *Accounting Forum* 28: 205-236.
- Bens, D. A. and S. J. Monahan (2004). Disclosure quality and the excess value of diversification. *Journal of Accounting Research* 42: 691-730.
- Berger, P. G. and R. N. Hann. (2007). Segment profitability and the proprietary and agency costs of disclosure. *The Accounting Review* 82: 869-906.
- Biddle, G. , G. Hilary and R. Verdi. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency? *Journal of Accounting and Economics* 48: 112-131.
- Biddle, G. and G. Hilary. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. *The Accounting Review* 81: 963-982.
- Botosan, C. A. (1997). Disclosure Level and the Cost of Equity Capital. *The Accounting Review* 72 (3): 323-349.
- Brown, S. and S. A. Hillegeist. (2006). How Disclosure Quality Affects the Long-run Level of Information Asymmetry. *Working Paper*. Emory University.
- Bushman, R. M. and A. J. Smith. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics* 32: 237-333.
- Bushman, R. M. and A. J. Smith. (2003). Transparency, Financial accounting information, and corporate governance. *Economic Policy Review* 9: 65-87.
- Desai, M. and D. Darmapala. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *Review of Economics and Statistics*, 91: 537-546.

- Diamond, D. and R. Verrecchia. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of equity capital. *Journal of Finance (September)*: 1325-1360.
- Dyreg, S. , M. Hanlon and E. Maydew. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review* 83: 61-82.
- Francis, J. R. and X. Martin. (2010). Acquisition profitability and timely loss recognition. *Journal of Accounting and Economics* 49: 161-178.
- Gupta, S. and K. Newberry. (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rates: evidence from longitudinal data. *Journal of Accounting and Public Policy* 16: 1-34.
- Hanlon, M. and S. Heitzman. (2009). A review of tax research. Working Paper. Massachusetts Institute of Technology.
- Healy, P. M. and K. G. Palepu. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics* 31: 405-440.
- Hopkins, P. (1996). The Effect of Financial Statement Classification of Hybrid Financial Instruments on Financial Analyst's Stock Price Judgments. *Journal of Accounting Research*, 34: 33-50.
- Jensen Michael C. and William H. Meckling, (1976). Theory of the Firm: Managerial Behaviour, Agency Costs, and Ownership Structure, *Journal of Financial Economics* 3, 305-360.
- Kothari, S. (2000). *Role of Financial Reporting in Reducing Financial Risks in the Market*. In Eric Rosengren and John Jordan, eds: Building an Infrastructure for Financial Stability (Federal Reserve Bank of Boston: 89-102).
- Lobo, G. J. and J. Zhou. (2001). Disclosure Quality and Earning Management. *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics*, 8, 1: 1-20.
- McNichols M. and S. Stubben. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions? *The Accounting Review* 83: 1571-1603.
- Medeiros, O. R. , and L. G. Quinteiro. (2005). Disclosure of Accounting Information and Stock Return Volatility in Brazil. SSRN. Com, Working Paper.
- Pownall, G. , and K. Schipper. (1999). Implications of Accounting Research for the SEC's Consideration of Internal Accounting Standard for U. S Securities Offerings. *Accounting Horizons*, 13: 259-80.
- Rego, S. O. (2003). Tax-avoidance activities of U. S. multinational corporations. *Contemporary Accounting Research* 20: 805-833.
- Scott, W. R. (2003). *Financial Accounting Theory*. Third Edition. Pears Education. Canada.
- Sengupta, P. (1998). Corporate disclosure quality and the cost of debt. *The Accounting Review*, 73: 459-474.

- Singhavi, S. S. and Deesai, H. B. (1971). An Empirical Analysis of the Quality of Corporate Financial Disclosure. *The Accounting Review*, 46, 1: 129-138.
- Wang, x. (2010). Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. Available at www.ssrn.com.
- Zimmerman, J. (1983). Taxes and firm size. *Journal of Accounting and Economics* 5: 119-149

